

هوللصل

مسابقه وکیل عدلیه

تهیه شده توسط انجمن علم حقوق دانشگاه مرغه ۱۴۰۴/۱۴۰۵

مقدمه: فلسفه وجودی و کیل در هندسه عدالت

عدالت، به عنوان غایت نهایی هر نظام حقوقی، مفهومی انتزاعی و دست نیافتنی نیست، بلکه فرآیندی عینی و عملیاتی است که برای تحقق خود به ارکانی چند نیازمند است. در این میان، عدالت هنگامی معنا می‌یابد که در کنار قاضی به عنوان نماد حاکمیت و قانون به عنوان مقرر الزام آور، امکان دفاع مؤثر برای اصحاب دعوا نیز وجود داشته باشد. هیچ نظام حقوقی، حتی با پیشرفته‌ترین قوانین و کارآمدترین قضات، نمی‌تواند مدعی تحقق دادرسی عادلانه باشد، مگر آنکه حق دفاع به عنوان یک اصل بنیادین و حضور وکیل به عنوان ضامن اجرای این اصل، به رسمیت شناخته شود. حق دفاع، تنها به معنای حضور فیزیکی فرد در دادگاه نیست، بلکه به معنای برخورداری از دانش، تخصص و مهارتی است که بتواند ادعاها و اتهامات را به چالش بکشد، دلایل را تحلیل نماید و از حقوق خود در برابر قدرت حاکمیت یا طرف مقابل دفاع کند. وکیل در فرآیند رسیدگی قضایی، صرفاً نماینده یک فرد یا یک طرف دعوا نیست؛ بلکه کارکردی فراتر از این دارد: او مدافع حق، ناظر بر رعایت دقیق قانون، پاسدار آیین دادرسی، متوازن‌کننده قدرت میان طرفین دعوا و یاری‌دهنده دادگاه در مسیر پرفراز و نشیب کشف حقیقت است. قاضی به دلیل محدودیت‌های زمانی و کثرت پرونده‌ها، ممکن نتواند به تمام زوایای یک پرونده احاطه یابد، اما وکیل با تمرکز بر پرونده موکل خود، تمام توان علمی و عملی خود را برای روشن‌سازی ابعاد مختلف موضوع به کار می‌گیرد. به پاس همین نقش چندوجهی و حیاتی، ۷ اسفند ماه در تقویم رسمی ایران به عنوان "روز وکیل مدافع" نامگذاری شده است؛ روزی برای تأمل در باب جایگاه این نهاد مقدس، گرامیداشت خدمات جامعه حقوقی و پاسداشت مدافعانی که در طول تاریخ، در خط مقدم دفاع از حقوق مردم و کرامت انسانی ایستاده‌اند.

بخش اول: پیشینه تاریخی ۷ اسفند؛ از تصویب قانون استقلال تا نماد هویت حرفه‌ای

انتخاب روز هفتم اسفند به عنوان نماد و نمایه وکالت در ایران، صرفاً یک انتخاب تقویمی و اتفاقی نیست، بلکه ریشه در یک رویداد سرنوشت‌ساز و نقطه عطفی در تاریخ حقوقی معاصر ایران دارد. برای درک عمق این رویداد، باید به فضای سیاسی و اجتماعی دهه ۱۳۳۰ بازگردیم؛ دورانی که کشور در حال گذار از استبداد و اشغال به سوی استقلال و حاکمیت ملی بود. در آن مقطع تاریخی، جامعه حقوقی ایران با درک عمیق ضرورت استقلال حرفه وکالت از قوه مجریه و سایر نهادهای حاکمیتی، توانست قانونی را به تصویب برساند که برای نخستین بار، نهاد وکالت را به عنوان نهادی مستقل، تأثیرگذار و همپراز با سایر ارکان عدالت در فرآیند دادرسی به رسمیت شناخت. این روز، یادآور و بزرگداشت سالروز تصویب قانون استقلال کانون وکلای دادگستری در تاریخ ۷ اسفند ماه سال ۱۳۳۱ خورشیدی است. تصویب این قانون، نقطه عطفی بود زیرا تا پیش از آن، ساختار وکالت و نظارت بر آن می‌توانست تحت تأثیر مستقیم قدرت سیاسی قرار گیرد. در بسیاری از مقاطع تاریخی، حکومت‌ها تلاش می‌کردند با نفوذ در نهاد وکالت یا محدود کردن استقلال آن، از قدرت دفاع در برابر خود بکاهند.

با تصویب قانون استقلال، کانون وکلا به عنوان نهادی خودگردان، غیردولتی و برآمده از دل جامعه حقوقی، متولی امور صنفی، صدور پروانه، آموزش کارآموزان، رسیدگی به تخلفات انتظامی و حفظ شأن و منزلت حرفه وکالت شد.

بنابراین، ۷ اسفند نه فقط یک تاریخ در دفتر روزگار، بلکه نمادی است از پاسداشت عدالت و تأکید بر نقش بی‌بدیل وکیل در تحقق آن. این روز، یادآور تلاش‌های تاریخی، مجاهدت‌های صنفی، ایستادگی‌های مدنی و جان‌فشانی‌های جامعه حقوقی برای استقرار دادرسی منصفانه و تضمین حق دفاعی است که ریشه در فطرت انسانی، تعلیم دینی و موازین شناخته شده حقوق بشری دارد. به همین دلیل، گرامیداشت این روز، تجلیل از یک حرفه و شغل نیست، بلکه تعظیم به یک ارزش والای انسانی یعنی "عدالت" و پاسداشت یک اصل بنیادین یعنی "آزادی" است.

بخش دوم: وکالت در اسلام و فقه؛ پیشینه دینی حق دفاع

پیش از ورود به تحلیل جایگاه وکیل در نظام حقوقی مدرن ایران، شایسته است نگاهی به ریشه‌های دینی و فقهی این نهاد بیندازیم. دین مبین اسلام که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر پایه آن بنا شده است، برای عدالت و انصاف جایگاهی والا قائل است. اگرچه نهاد وکالت به شکل امروزی و با ساختار صنفی و تخصصی خود در صدر اسلام وجود نداشت، اما اصل «وکالت» به عنوان یک عقد و قرارداد در فقه اسلامی به رسمیت شناخته شده است. در فقه، وکالت عقدی است که به موجب آن، فردی (موکل) فرد دیگری را (وکیل) برای انجام کاری از سوی خود منصوب می‌کند.

در حوزه قضا نیز، فقهای اسلامی همواره بر لزوم رعایت انصاف و فراهم کردن امکان دفاع برای متهم تأکید داشته‌اند. اصل «البینه علی المدعی و الیمین علی من أنکر» (ادله بر عهده مدعی و سوگند بر عهده منکر است) نشان‌دهنده ساختاری منصفانه برای حل و فصل دعاوی است. اگرچه در دادرسی اسلامی، معمولاً فرد خود به دفاع از خویش می‌پرداخت، اما در موارد پیچیده یا برای افرادی که توانایی دفاع نداشتند (مانند زنان، کودکان، بیماران یا افراد ناتوان)، گرفتن وکیل یا نماینده برای دفاع، امری پذیرفته شده و گاه ضروری تلقی می‌شد.

در تاریخ فقه و حقوق اسلامی، موارد متعددی از وکالت در دعاوی دیده می‌شود. حتی برخی از فقهای بزرگ، خود به وکالت از طرف دیگران در محاکم شرع حضور می‌یافتند. این پیشینه نشان می‌دهد که روح حاکم بر شریعت اسلام، با نهاد وکالت مدافع، نه تنها تضادی ندارد، بلکه می‌تواند آن را در مسیر تحقق عدالت، تقویت و تأیید نماید. بنابراین، روز ۷ اسفند را می‌توان تبلور مدرن و نهادینه شده همان روح عدالت‌خواهی و دفاع‌پذیری دانست که در ژرفای فرهنگ دینی و ملی ما ریشه دارد.

بخش سوم: جایگاه وکیل در نظام حقوقی ایران؛ از قانون اساسی تا رویه قضایی

در نظام حقوقی ایران، جایگاه وکیل به عنوان یکی از ارکان اساسی و غیرقابل انکار دادرسی عادلانه به رسمیت شناخته شده است. این جایگاه رفیع، ریشه در متون مقدس دینی، قوانین موضوعه و رویه قضایی دارد. مهم‌ترین سند حقوقی کشور، یعنی قانون اساسی، در اصول متعددی به حقوق ملت اشاره کرده و بسترهای تحقق آن را فراهم آورده است. اگرچه ممکن است در برخی اصول به صورت مستقیم به واژه "وکیل" اشاره نشده باشد، اما تضمین حقوقی همچون اصل برائت (اصل ۳۷) که می‌گوید "اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد"، منع بازداشت خودسرانه و حق اعتراض به آن، همگی مؤید ضرورت وجود نهادی به نام وکالت برای عینیت بخشیدن به این اصول هستند.

در قوانین عادی نیز به کرات بر حق داشتن وکیل در مراحل مختلف تأکید شده است. برای نمونه، قانون آیین دادرسی کیفری که مهم‌ترین قانون در حوزه رسیدگی به جرایم است، در مواد متعددی حق دسترسی به وکیل را از همان مراحل اولیه تحقیقات مقدماتی (بازجویی در دادسرا) تضمین کرده است. بر اساس این قانون، متهم می‌تواند در اولین فرصت پس از بازداشت، درخواست وکیل نماید و مقام قضایی موظف است امکان ملاقات و مشورت با وکیل را برای او فراهم کند. هرچند در برخی موارد استثنایی، محدودیت‌هایی برای حضور وکیل در نظر گرفته شده، اما اصل بر پذیرش حق دفاع و حضور وکیل است.

نهاد وکالت در ایران از طریق کانون وکلای دادگستری سامان‌دهی و مدیریت می‌شود. کارکرد اصلی این نهاد صنفی، فراتر از امور اداری و صنفی است؛ وظیفه خطیر تأکید بر استقلال، حفظ شأن و سلامت حرفه‌ای این جایگاه را بر عهده دارد. ۷ اسفند، در حقیقت بزرگداشت همین استقلال و یادآور مسئولیت خطیر وکلایی است که در طول تاریخ پرفراز و نشیب این سرزمین، برای حفظ این دستاورد ارزشمند و صیانت از کیان حرفه خود، از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند و در برابر سختی‌ها، تهدیدها و گاه ناملایمات، چون کوهی استوار ایستاده‌اند و از حقوق مردم دفاع کرده‌اند.

بخش چهارم: تفاوت وکیل دادگستری با مشاور حقوقی؛ تمایز دیشیت صنفی و علمی

یکی از موضوعات مهمی که در شناخت جایگاه وکیل باید به آن پرداخت، تمایز میان وکیل دادگستری و مشاور حقوقی است. این دو عنوان، هرچند در حوزه دانش حقوقی فعالیت می‌کنند، اما تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند که آگاهی از آنها برای عموم مردم و به ویژه شرکت‌کنندگان در مسابقات حقوقی ضروری است.

وکیل دادگستری شخصی است که پس از گذراندن دوره کارشناسی حقوق (یا معادل آن)، در آزمون ورودی حرفه وکالت که توسط کانون وکلای دادگستری برگزار می‌شود، پذیرفته شده، دوره کارآموزی را با موفقیت به پایان رسانده و پروانه وکالت از کانون وکلا دریافت کرده است. وکیل دادگستری حق حضور در تمام مراجع قضایی (دادگاه‌ها، دادسراها، شوراهای حل اختلاف و ...) را دارد و می‌تواند از حقوق شهروندان در این مراجع دفاع کند. وکیل، علاوه بر دانش حقوقی، با آیین دادرسی و رویه‌های قضایی آشنایی کامل دارد و به دلیل عضویت در کانون وکلا، زیر نظر نهاد صنفی خود فعالیت می‌کند و در صورت تخلف، به دادگاه انتظامی وکالت فراخوانده می‌شود.

در مقابل، مشاور حقوقی عنوانی عام است که به هر شخص دارای تحصیلات حقوقی (کارشناسی، ارشد یا دکتری) اطلاق می‌شود که بدون داشتن پروانه وکالت، به ارائه خدمات مشاوره‌ای می‌پردازد. مشاوران حقوقی معمولاً در شرکت‌ها، سازمان‌ها یا مؤسسات خصوصی فعالیت می‌کنند و وظیفه آن‌ها تنظیم قراردادهای، ارائه نظرات حقوقی و گاه پیگیری امور ثبتی و اداری است. با این حال، مشاور حقوقی حق وکالت در دادگاه‌ها را ندارد و اگر بخواهد در محاکم قضایی از کسی دفاع کند، باید حتماً پروانه وکالت داشته باشد. درک این تفاوت برای شناخت دقیق جایگاه وکیل و حیطه اختیارات او ضروری است.

بخش پنجم: نقش وکیل در تحقق عدالت اجتماعی و صیانت از حقوق عامه

بررسی نقش وکیل، تنها بررسی یک شغل و منبع درآمد نیست؛ بلکه مطالعه یکی از مهم‌ترین و حساسترین ابزارهای تضمین عدالت در جامعه و تجلیل از مدافعانی است که در ۷ اسفند و تمام ایام سال، پاسدار حقوق مردم و حافظ کرامت انسانی در برابر قضاوت‌اند. وکیل تنها مدافع منافع شخصی یک فرد نیست؛ بلکه در سطحی گسترده‌تر، در خدمت عدالت اجتماعی است. اگر حقوق افراد جامعه بدون دفاع مؤثر باقی بماند و شهروندان احساس کنند در برابر اتهام یا تضییع حق، پناهگاهی ندارند، به تدریج اعتماد عمومی به نظام عدالت کاهش یافته و بنیان‌های جامعه سست می‌شود. وکیل با دفاع مستدل، فنی، همه‌جانبه و قانونی، به تقویت این اعتماد عمومی کمک شایانی می‌کند.

وکیل در تراز یک جامعه مدنی، نقشی فراتر از یک متخصص حقوقی ایفا می‌کند. او می‌تواند با طرح دعاوی عمومی، شکایت از ترک فعل‌ها یا دفاع از فعالان مدنی و مطبوعاتی، به نوعی مطالبه‌گری اجتماعی بپردازد. در تاریخ حقوق ایران، برخی شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار، پیش از آنکه به عناوین دیگر سیاسی یا اجتماعی شناخته شوند، در حرفه وکالت فعالیت داشته‌اند. یکی از بارزترین این چهره‌ها، محمد مصدق است. او پیش از ورود به عرصه سیاست و رهبری نهضت ملی شدن صنعت نفت، وکیل دادگستری بود و از این جایگاه برای دفاع از حقوق مردم و مبارزه با استبداد و بی‌عدالتی بهره برد. همچنین شخصیت‌هایی مانند سید حسن امامی (امام جمعه سابق تهران) و سید محمود طالقانی نیز در مقطعی به حرفه وکالت اشتغال داشتند. این نمونه‌های تاریخی نشان می‌دهد که وکالت چگونه می‌تواند فراتر از یک پرونده حقوقی، به مطالبه‌گری اجتماعی، دفاع از حقوق عمومی و حتی اصلاح ساختارهای ناعادلانه منجر شود.

بخش ششم: اصول بنیادین، ارکان افلاقی و مسئولیت‌های حرفه و کالت

وکالت، حرفه‌ای است که در نقطه تلاقی سه مفهوم کلان و بنیادین یعنی «قانون» به عنوان چارچوب، «عدالت» به عنوان هدف و «اخلاق» به عنوان زیربنا، قرار دارد. یک وکیل موفق و شریف، کسی است که بتواند میان این سه مقوله به خوبی توازن برقرار کند. پایبندی به اصولی چند، شرط اساسی ورود و تداوم در این حرفه خطیر است. این اصول در واقع همان سرمایه‌های معنوی و کلاهستند که اگر خدشه‌دار شوند، اعتماد عمومی به کلی از بین خواهد رفت:

۱. استقلال: وکیل باید در دفاع از موکل خود، مستقل و فارغ از هرگونه فشار خارجی (اعم از سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی) عمل کند. او نه کارمند دولت است، نه تابع جریان‌های سیاسی و نه تحت تأثیر قدرت‌های اقتصادی. تنها قانون و وجدان حرفه‌ای اوست که مسیر دفاع را تعیین می‌کند.

۲. صداقت و امانت‌داری: رابطه وکیل و موکل بر پایه اعتماد بنا شده است. وکیل امین موکل است و باید با کمال صداقت، او را از جوانب مختلف پرونده، نقاط قوت و ضعف آن، هزینه‌ها و خطرات احتمالی آگاه سازد. فریب موکل یا دادن وعده‌های غیرواقعی، بزرگترین خیانت به این حرفه است.

۳. رازداری: یکی از مهم‌ترین و حساسترین ارکان حرفه وکالت، حفظ اسرار و اطلاعاتی است که موکل در طول همکاری در اختیار وکیل قرار می‌دهد. موکل باید با اطمینان خاطر، تمام حقایق را حتی اگر به ضررش باشد، با وکیل در میان بگذارد تا وکیل بتواند بهترین دفاع را طراحی کند. افشای این اسرار، علاوه بر تخلف انتظامی سنگین (که می‌تواند به تعلیق یا حتی ابطال پروانه منجر شود)، می‌تواند واجد وصف کیفری نیز باشد.

۴. پایبندی به قانون و شرافت حرفه‌ای: وکیل نباید برای پیروزی در دعوا، به هر وسیله‌ای متوسل شود. ارائه دلیل جعلی، تطمیع شهود، کش دادن عمدی پرونده، استفاده از الفاظ توهین‌آمیز و ... همگی مصادیق بارز تخلف انتظامی هستند. او مدافع حق در چارچوب قانون است، نه ابزار پیروزی به هر قیمت. او با دفاع مستدل، منظم، فنی و متکی بر موازین حقوقی، به روشن شدن حقیقت کمک می‌کند و از اعمال سلیقه‌های شخصی، گسترش بی‌ضابطه مسئولیت‌ها و صدور احکام ناعادلانه جلوگیری می‌نماید.

بخش هفتم: آسیب‌شناسی حرفه و کالت و چالش‌های پیش رو

حرفه وکالت با وجود قدمت تاریخی و جایگاه رفیع خود، در عصر حاضر با چالش‌ها و آسیب‌های متعددی نیز مواجه است که ضرورت دارد وکلای جوان، جامعه حقوقی و نهادهای صنفی به آن‌ها توجه ویژه داشته باشند. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پیچیدگی، تورم و نوسان قوانین: افزایش روزافزون قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، آرای وحدت رویه و نظریات مشورتی، کار وکالت را به شدت دشوار کرده و نیازمند مطالعه دائمی و به‌روزرسانی مستمر دانش حقوقی است. وکیلی که از تحولات قانونی عقب بماند، نمی‌تواند دفاع مؤثری ارائه دهد.

افزایش کمی دعاوی و اطاله دادرسی: با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و اقتصادی و همچنین افزایش جمعیت، بر تعداد دعاوی افزوده شده و این امر فشار کاری بر وکلا را افزایش داده است. از سوی دیگر، اطاله دادرسی (طولانی شدن زمان رسیدگی) که ریشه در عواملی مانند نقص قوانین، کمبود قاضی یا ناکارآمدی ساختاری دارد، هم موکل و هم وکیل را خسته و فرسوده می‌کند.

حساسیت‌های اجتماعی و قضایی: برخی پرونده‌ها به دلیل ماهیت خود (مثل جرایم سیاسی، امنیتی، مطبوعاتی) یا اشخاص ذی‌نفع، با حساسیت‌های اجتماعی یا قضایی بالایی همراه هستند. در این موارد، وکیل ممکن است تحت فشارهای مختلفی قرار گیرد که حفظ استقلال و ایستادگی بر موازین قانونی را برای او دشوار سازد.

چالش اعتماد عمومی و رسانه‌ها: وکالت حرفه‌ای است که با اعتماد عمومی پیوندی ناگسستنی دارد. هرچه این اعتماد بیشتر باشد، کارکرد نظام عدالت نیز مؤثرتر و کارآمدتر خواهد بود. متأسفانه گاه رفتارهای ناپسند برخی وکلای ناآگاه یا فرصت‌طلب، تصویر مخدوشی از این حرفه در افکار عمومی و رسانه‌ها ایجاد می‌کند. خدشه‌دار شدن این اعتماد به هر دلیلی، بزرگترین آسیب را به پیکره حرفه وکالت وارد می‌کند.

رقابت ناسالم و ورود غیرمخصصان: افزایش تعداد وکلا از یک سو و فعالیت‌های غیرمجاز برخی افراد تحت عنوان مشاور حقوقی یا وکیل پایه یک دادگستری (بدون پروانه) از سوی دیگر، به رقابت ناسالم دامن زده و معیشت وکلای جوان را با مشکل مواجه کرده است.

با این حال، آنچه جایگاه وکیل را در برابر این دشواری‌ها و چالش‌ها حفظ کرده و مصون می‌دارد، پایبندی راسخ به قانون، التزام عملی به اصول اخلاق حرفه‌ای، همبستگی صنفی و تلاش مستمر برای جلب و حفظ اعتماد عمومی است.

بخش هشتم: وکالت در آیین حقوق تطبیقی؛ نگاهی به جایگاه وکیل در جهان

برای درک بهتر جایگاه وکیل در ایران، نگاهی گذرا به وضعیت این حرفه در سایر کشورها می‌تواند مفید باشد. در اکثر نظام‌های حقوقی پیشرفته جهان، وکالت حرفه‌ای مستقل، محترم و تأثیرگذار است. در کشورهای اروپایی و آمریکا، وکلا نه تنها در دادگاه‌ها، که در پارلمان‌ها، دولت‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز حضور پررنگی دارند. بسیاری از رؤسای جمهور، نخست‌وزیران و سناتورها در این کشورها، پیشینه حقوقی و وکالت دارند.

در نظام حقوقی کامن‌لا (مانند انگلستان و آمریکا)، وکلا به دو دسته کلی سالیسیتر (مشاور حقوقی و تنظیم‌کننده اسناد) و باریستر (وکیل مدافع در دادگاه‌های عالی) تقسیم می‌شوند. در این نظام‌ها، استقلال وکلا بسیار مورد تأکید است و هرگونه دخالت در امر وکالت، نقض آشکار حاکمیت قانون تلقی می‌شود.

در فرانسه، وکلا عضوی از نهاد قضایی محسوب می‌شوند و سوگندی مشابه قضاات ادا می‌کنند. آن‌ها نیز دارای استقلال کامل بوده و نهاد صنفی قدرتمندی به نام "بارو" (Barreau) دارند که امور مربوط به وکلا را ساماندهی می‌کند.

در همه این کشورها، اصولی مانند رازداری، استقلال، حق دفاع و دسترسی به وکیل، از حقوق بنیادین و مسلم شهروندان محسوب می‌شود و هرگونه محدودیت در این زمینه، نیازمند توجیه قوی و استثنایی است. مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که هرچه کشوری در مسیر توسعه یافتگی و دموکراسی گام برمی‌دارد، جایگاه وکیل نیز در آن مستحکم‌تر و نقش او پررنگ‌تر می‌شود.

جمع‌بندی نهایی

در پایان این نوشتار، باید بار دیگر تأکید کرد که بدون حضور وکیل مستقل، آگاه، متعهد و مسئول، تحقق واقعی اصول بنیادین حقوقی چون اصل برائت، حق دفاع و دادرسی منصفانه با چالش جدی و شاید غیرقابل عبوری مواجه خواهد شد. وکیل، نه یک زینت برای دادگاه، نه یک تشریفات اداری، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر برای عدالت است. او صدای بی‌صدایان، تکیه‌گاه مستضعفان و مدافع حقوق همه کسانی است که در پیچ و خم قانون، درمانده و سرگردان می‌شوند.

۷ اسفند ماه، تنها یک روز در تقویم نیست؛ فرصتی مغتنم برای تجلیل از مدافعانی است که در این روز و تمام ایام سال، با دانش، تجربه، شهامت و تعهد خود، پاسدار حقوق مردم و حافظ کرامت انسانی در برابر قضاوت‌اند. این روز، یادآور مسئولیت خطیری است که وکلا در قبال جامعه، قانون و وجدان خود بر دوش دارند.

در نهایت، جایگاه رفیع وکیل تنها زمانی استوار و ماندگار باقی می‌ماند که همراه با مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای و اخلاقی باشد. تقویت فرهنگ عمومی احترام به حق دفاع، حمایت رسانه‌ها از نهاد وکالت، آموزش حقوقی همگانی و شناخت عمیق نقش وکیل در جامعه، گامی اساسی و بلند در جهت استقرار عدالت پایدار، تحکیم بنیان‌های جامعه مدنی، حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها و نهادینه شدن حاکمیت قانون در کشور عزیزمان ایران خواهد بود. گرامی باد ۷ اسفند، روز وکیل مدافع و پاسدار عدالت.